آسیب شناسی اخلاقی - اداری مدیران و کارگزاران

پدید آورنده : سید اقبال حسینی ، صفحه 2

مقام و منصب، وسیله خدمت گزاری

یکی از لغزش گاه های مدیران که در حاشیه مسائل کاری یا تحت تأثیر روابط شخصی، خویشاوندی، دوستانه و مانند آن پدید می آید، بذل و بخشش هایی است که از بیت المال می شود. مدیری به علتی نمی تواند یا مصلحت نمی داند که دوست یا فرزند دوستش یا خویشاوندانش را در حیطه مدیریتی خود استخدام کند. از این رو، سفارش او را به مدیر دیگر می کند و آن مدیر هم با انجام کار سفارشی، مدیر اول را مدیون خود می سازد. آن گاه نوبت به مدیر اول می رسد تا در زمان مناسب، به سفارش مشابهی عمل کند و از شرمندگی او خارج شود.

این داد و ستدها در یک سطح گسترده و متنوع در میان مدیرانی که تعهد و تقوای کاری ندارند، کم و بیش دیده می شود. برای مثال، مدیری از تولیدات کارخانه تحت مدیریت خود رایگان یا با تسهیلات ویژه، به مدیر دیگری مرحمت و احسان می کند. در نتیجه، او مدیون محبت ها و حاتم بخشی های مدیر اول شده است و برای جبران این دین، از کیسه بیت المال مقابله به مثل می کند. یکی زمین می دهد و دیگری مصالح؛ یکی روغن می بخشد و دیگری برنج پیش کش می کند؛ یکی ویلا در اختیار می گذارد و دیگری بهره مندی از رستوران هتل را تقدیم می دارد؛ یکی به سفر خارجی مهمان می کند و دیگری با امتیاز تأسیس کارخانه جبران می کند؛ آن یکی تقصیر را می پوشاند و این یکی او را از تیغ قانون می رهاند و کارها و رابطه های غیر قانونی مانند آن.

البته برای هر یک از موارد گفته شده، گریزگاه های شیطانی و توجیه های نفسانی فراوانی هم وجود دارد از قبیل: ناروایی رد احسان، جلب همکاری و هم دلی برای پیشبرد امور سازمان، صاحب حق دانستن خود به خاطر نقش محوری و کارآیی بالا! اما آنچه در حقیقت اتفاق می افتد، سوء استفاده از موقعیت، مرفه شدن بیش از حد زندگی مدیران با امکانات بیت المال و سرانجام، آلوده شدن زندگی آنان به کارهای مشتبه و حرام است.

البته این چنین سوء استفاده هایی، به ضعف اعتقادی و نگاه سطحی به منصب و موقعیت اجتماعی باز می گردد. چنانچه مدیران، مسئولیت های خویش را امانت و خدمت گزاری بدانند، مرتکب این گونه انحراف ها نمی شوند، بلکه با تلاش و تکاپوی خالصانه نام نیک از خود به جای می گذارند و می دانند که هر اوجی را فرودی است و پست و مقام های دنیوی، دست گردان این و آن است. در این باره، مفهوم شعر زیر نغز و رساست:

شنیده ام که محمود غزنوی شب دی

شراب خورد و شبش در سمور گذشت

گدای گوشه نشینی لب تنور گرفت

لب تنور، بر آن بی نوای عور گذشت

علی الصباح نعره زد که ای محمود

لب تنور گذشت و شب سمور گذشت

سوء استفاده از جایگاه مدیریتی

هر نوع قدرت و توانی می تواند شخص توانمند را به استثمار و بهره گیری از نیازمندان وا دارد. در مقابل، برخی هم برای رسیدن به منفعتی مالی و اداری، در برابر شخص توانمند به انواع شگردها روی می آورند. بنابراین، از یک سو غرور و باج گیری و بهره کشی و از سوی دیگر چاپلوسی و ذلت نفس شکل می گیرد.

زمینه چنین ناهنجاری و آسیبی را باید در آزمندی و غفلت و گسستگی از مبدأ عزت آفرین جست وجو کرد. در عین حال، نباید نقش فقر مادی، فساد اداری، حاکمیت نداشتن قانون در قلمرو رابطه های اداری و ارباب رجوع را از یاد برد. فرهنگی را که در آن ارباب رجوع، چشم طمع به گشاده دستی مدیر دوخته باشد و یا مدیر آگاهانه یا ناخودآگاه از عدالت و پارسایی دور شود، باید اصلاح کرد. امروز بعضی افراد بر اثر توجیه های نادرست، چاپلوسی ارباب رجوع را احترام می پندارند و خود را شایسته چنین کرنشی می دانند. رشوه ها را هدیه و احسان می نامند و کاری را که در برابر این امتیازها، برای ارباب رجوع انجام می دهند، عین وظیفه عدالت و قانون می شمارند!

نکته مهم این که آیا اگر مدیر در جایگاه فعلی نبود، چنین پیشکش هایی به او ارزانی می شد؟! آیا این هدیه ها به خاطر انسان دوستی و قربةً الی الله صورت می گیرد؟ یا آن که اگر به دور از ساده لوحی پرده از ظاهر آراسته این عمل برداشته شود، چهره زشت آزمندی و ذلت و منفعت طلبی رخ می نماید! متأسفانه برخی از مدیران که در ظلمت چاه زندگی حیوانی و هواهای نفسانی گرفتار آمده اند، چنان پرده غفلت بر عقل و چشم و گوش آن ها کشیده شده است که توان دیدن و فهم حقایق را از دست داده اند و به راستی که:

«لَهُم قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِها وَ لَهُم أعْیُنٌ لا یُبْصِرُونَ بِها وَ لَهُمْ آذانٌ لا یَسْمَعُونَ بِها». (اعراف: 179).

«دل هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آن ها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند.» اینان با گم کردن راه، بلکه با گم کردن خود، به جهنم گناه و ارتکاب حرام می لغزند و بدتر از آن، این که خود را به نادانی می زنند و برای فریب خود و دیگران، با دستاویز قرار دادن تسویلات شیطانی، می کوشند حرام خدا را حلال جلوه دهند. حضرت علی «علیه السلام» در پایان بخشی از سخنان رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» که از فتنه ها و آزمون ها در آینده خبر می دهد، روایت می کند:

«ای علی! این مردم به زودی به وسیله اموالشان آزمایش می شوند. در دین داری، بر خدا منت می گذارند؛ با این حال رحمتش را آرزو می کنند و خود را از خشم و قدرت خدا در امان می پندارند. حرام خدا را با شبهات دروغین و هواهای نفسانی و غفلت زا، حلال می شمرند و بدین گونه، شراب را به بهانه این که آب انگور است و رشوه را زیر پوشش هدیه و ربا را با عنوان معامله، حلال می پندارند!».

رشوه ستانی مدیران و کارگزاران

مدیرانی که در فکر امانت داری و خدمت رسانی به مردمند، پرهیزکاران و وارستگانی هستند که خداوند چشم آنان را بر دیدن حقایق گشوده است. روزی خود را نزد پروردگارشان می جویند و در دام طمع ورزی ها و ریاکاری نمی افتند. مقتدای آنان علی «علیه السلام» است و همچون او به دور اندیشی و زیرکی شهره اند که در سیره آن امام متقین آمده است که فرمود:

«عجیب تر این که شب هنگام کسی نزد ما آمد و ظرفی سرپوشیده از حلوا آورد، معجونی که چنان از آن متنفر شدم که گویی با آب دهان مار سمی یا قی کرده آن آمیخته شده بود. به او گفتم: هدیه است یا زکات یا صدقه؟ که این دو تای آخر بر ما اهل بیت حرام است، گفت: نه زکات و نه صدقه، بلکه هدیه است.»

گفتم: زنان فرزند مرده بر تو بگریند! آیا از راه دین بر من وارد شدی که مرا فریب دهی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شده ای؟ یا هذیان می گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان هاست، به من بدهند تا نافرمانی خدا کنم که پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بگیرم، این کار را نمی کنم! همانا دنیای شما نزد من، از برگ جویده شده ای در دهان ملخی پست تر است. علی را چه کار با نعمت های فناپذیر و لذت های ناپایدار؟ به خدا پناه می برم از خفتن عقل و زشتی لغزش ها و از او کمک می جویم!».

از نظر اسلام رشوه گرفتن حاکم، در حد کفر و شرک و هدیه گرفتن کارگزاران در قبال انجام وظیفه اداری خیانت است و هر دو به شدت نهی شده است. از حضرت رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» نقل است:

«ایّاکُم و الرَّشوة فانَّها مَحْضُ الکُفْر و لا یَشُمُّ صاحبُ الرَّشْوةِ ریحَ الجَنَّة»

«از رشوه بر حذر باشید؛ زیرا رشوه، کفر محض است و بوی بهشت به مشام صاحب رشوه نمی رسد.»

نبی مکرم اسلام «صلی الله علیه و آله» در روایت های دیگر، رشوه دهنده و رشوه گیرنده را لعنت فرموده و آنها را اهل آتش دانسته است. حضرت علی «علیه السلام» گیرنده هدیه را در منصب کارگزاری، خائن و گیرنده رشوه را مشرک نامیده است: «من اخذ هدیة کان غُلُولاً و مَنْ اخذ رشوةً فهو مُشرک».

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» شخصی به نام «ابواللّبیه» را به جمع آوری زکات فرستاد. هنگامی که از مأموریت بازگشت زکات را تحویل داد و با صداقت اجناسی را برای خود نگه داشت و گفت: آنها به عنوان هدیه به من داده شده است. پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله» بی درنگ برخاست و روی منبر ایستاد و فرمود:

«چه شده است که کارمندی که ما برای انجام کارمان گسیل داشته ایم، می گوید: این برای شماست و این هدیه برای من است؟ آیا به راستی اگر درون خانه پدر و مادرش نشسته بود، به او هدیه ای داده می شد؟ قسم به آن که جانم در دست اوست، هیچ کس چیزی را نمی گیرد، مگر آنکه در روز قیامت آن را بر گردن خود حمل می کند. سپس، دست خویش را بلند کرد و فرمود: خدایا آیا ابلاغ کردم؟ خدایا آیا ابلاغ کردم؟».

رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» با این عمل نشان داد که نمی توان دریافتی را به نام هدیه، مال خویش کرد. همچنین، به زمامداران نظام اسلامی آموخت که در برخورد با تخلف کارگزاران و کارکنان، نه لحظه ای می توان درنگ کرد و نه ذره ای می شود کوتاه آمد.

سیره پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله»، الگوی مناسب مدیران

مدیران باید چشم خود را به روی منفعت ها ببندند تا از قید وابستگی های مادی آزاد شوند. روحیه حقیقت جویی کارگزاران نباید تحت تأثیر جاذبه های دنیوی و رابطه های سودمند عرفی که عمدتا برگرفته از فرهنگ مادی است، قرار گیرد، بلکه باید به باورهای متعالی فکر کنند. باید در همه شئون اداری و مدیریتی خود، از مبدأ وحی و سیره انبیا و اوصیا به دقت الگو بگیرند. امیر المؤمنین علی «علیه السلام» در کلامی فرموده است:

«اِنّ دینَ اللّه لا یُعرَف بِالرِّجال بَل لآیَةِ الحَقِّ فاعْرِفِ الحَقَّ تَعْرِفْ اَهْلَهُ»

«ملاک شناخت دین خدا نشانه حق است، نه اشخاص. بنابراین، باید حق را بشناسی و آن گاه [با سنجیدن اشخاص و گروه ها با آن [اهل حق را خواهی شناخت.»

البته در این میان، در رأس هرم مدیریت اسلامی، سیره مدیریتی پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله» می تواند برای مدیران الگوی مناسبی باشد، چنان که حضرت علی «علیه السلام» در حدیث مفصلی، درباره پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله» و ساده زیستی ایشان می فرماید:

«برای تو کافی است که از راه و رسم پیامبر خدا پیروی کنی. پس به پیامبر پاک و پاکیزه ات اقتدا کن که راه و رسم او سرمشق است برای سرمشق گیرندگان و مایه فخر و بزرگی است، برای کسی که خواستار بزرگواری باشد. محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیغمبرش پیروی کند و قدم بر جای پای او بگذارد. وه چه بزرگ است منتی که خدا به وسیله پیغمبرش بر ما نهاده و چنین نعمت بزرگی را به ما عطا فرموده است و رهبر و پیشتازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید در راه او قدم بگذاریم و آن را ادامه دهیم.»

تلاش خستگی ناپذیر و بی منت پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» در ارشاد و رهبری مردم که با تدبیر و آینده نگری، برای سعادتمندی همه بشریت و همیشه تاریخ همراه بود، بر کسی پوشیده نیست. ایشان در این راه هر مشقتی را به جان خرید تا بدان جا که قرآن خطاب به او می فرماید:

«ما أنزَلْنا عَلَیْکَ القُرآنَ لِتَشْقی،»؛ «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به مشقت افکنی». (طه:2).

و در جای دیگر فرموده است:

«فَلَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ عَلی آثارِهِمْ إنْ لَمْ یُؤمِنُوا بِهذَا الحَدیثِ أسَفَا»(کهف:6).

«گویی تو می خواهی به خاطر رفتار آنان خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیاوردند!»

با وجود تأثیر بی نظیری که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» بر رهبری و مدیریت جامعه اسلامی داشت، قرآن کریم خطاب به ایشان می فرماید: «قُل لا أسْئَلُکُم عَلَیْهِ أجْرَا»؛ «بگو در برابر این، پاداش و اجری از شما نمی طلبم.» (انعام:90).

البته مصداق این معیار کلی، همه کسانی هستند که در ادامه راه انبیا، برای خدا، دین خدا و بندگان خدا کار می کنند. با این که نیازهای اولیه و مادی انسان که لازمه زندگی دنیاست، باید برآورده شود، رهبران، مسئولان و مدیران باید در انجام تکلیف های الهی خود در شأن مدیریت، از گرفتن پاداش ها و هدیه های سنگین پروا کنند و کارهایی را که به عهده گرفته اند، با قصد قربت انجام دهند و پداش و اجر آن را نیز به خداوند واگذارند؛ همان گونه که ائمه اطهار «علیهم السلام» امام راحل و امروز نیز مقام معظم رهبری، با همین شیوه عمل کرده و می کنند.

طبیعی است که اگر انسانی تمام ظرفیت و توان خود را وقف خدمت به دین و انجام وظایف الهی کند و در عین حال، از امکانات لازم زندگی محروم باشد، ناگزیر باید از محل بیت المال نیازهای ضروری او تأمین شود. ولی پرسش های اساسی این هاست که مرز استفاده از بیت المال تا کجاست؟ آیا ممکن است این استفاده، به تکاثر و تجمل گرایی و کاخ نشینی بینجامد؟ آیا درست است به مدیریت در نظام اسلامی، به عنوان یک طعمه نگریست و آن را وسیله ای برای به دست آوردن هر چه بیشتر ثروت به شمار آورد؟ در پاسخ می توان این روایت امام صادق «علیه السلام» از سیره امام علی «علیه السلام» را تمام کننده دانست، ایشان می فرماید:

هنگامی که امیر المؤمنین علی «علیه السلام» به ولایت رسید، بالای منبر رفت و بعد از سپاس و ستایش خداوند فرمود:

«اِنّی واللّهِ لا اَزْرَوُکُم مِن فَیْئِکُم درهما ماقامَ لی عِذْقٌ بِیَثْرِبَ فَلْیَصْدِقُکُم اَنْفُسُکُمْ»

«به خدا سوگند تا درختی در مدینه داشته باشم، درهمی از سهم غنائم شما برداشت نخواهم کرد. باید این را تصدیق کنید.»

جا دارد که مدیران و کارگزاران، همچون امامان معصوم «علیهم السلام» و پیروان راستین آن ها، در مصرف بیت المال دقت کافی به کار برند تا در روز واپسین به هنگام حسابرسی، دِینی بر گردن نداشته باشند که حساب خداوند دقیق و دشوار است. تا فردا چگونه نامه خوانان، نامه اعمال شما را بخوانند: «و انّا باللّه عائذون»؛ «و به خدا پناه می بریم.»

پی نوشت ها:

1. نهج البلاغه، خطبه 156.

2. همان، خطبه 224.

3. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج 104، ص 274.

4. همان، ح 75، ص 345.

5. سنن ابی داود، ص 135.

6. شیخ صدوق، امالی، ص 3.

7. نهج البلاغه، خطبه 160.

8. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ح 8، ص 182.

9. در تهیه مطالب این نوشتار از افکار، ایده ها و صحبت های آقای محمد حسن رحیمیان بهره گرفته شده است.